

# بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر

## خرم آباد

دکتر عبدالرضا باقری بَنجار \*

ابراهیم سپهوند \*\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۱۵

### چکیده

شهروندی<sup>۱</sup> از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی-سیاسی دوران معاصر محسوب می‌شود که در تحول تاریخی خود راه فراز و فرودی را پیموده است. این مفهوم بازتاب مجموعه انتظارات در زمینه حقوق و مسئولیت‌ها در یک اجتماع خاص است که اعضاء نسبت به نهادها، جامعه و یکدیگر دارند. شهروندی نشانگر دو اصل مهم است: یکی موقعیتی که افراد برحسب حقوق و مسئولیت‌هایشان کسب می‌کنند و دیگری شرایطی که جامعه برای کسب با اعطای این موقعیت پدید می‌آورد.

این مقاله به استناد داده‌های پژوهشی انجام شده، به توصیف میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان مردم شهر خرم‌آباد و تحلیل عواملی چند بر آن می‌پردازد. روش مطالعه پیمایشی بوده که نمونه‌ای ۳۸۲ نفری از مردم شهرستان خرم‌آباد قرار گرفته‌اند.

بر اساس نتایج میزان آگاهی از ابعاد حقوق شهروندی در میان مردم شهر خرم‌آباد یکسان نبوده، در میان ابعاد گوناگون حقوق شهروندی بیشترین میزان آگاهی مربوط به بعد مدنی و کمترین آن مربوط به بعد سیاسی بوده است که نشان از رشد، گسترش و طلب آزادی‌های مشروع از جمله آزادی بیان، مذهب و ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، زبان و عقیده و همچنین عدم فراهم آوردن فرصت‌های مناسب برای همه افراد جامعه جهت مشارکت در امور سیاسی دارد و همچنین بین سن، جنس، تحصیلات، شغل، افراد با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنادار وجود داشته است.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، خرم‌آباد، آگاهی

### مقدمه

شهروندی، از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی است که به منظور کمک به شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها به وجود آمده است (فالکس، ۲۰۰۰: ۲۱۱). این مفهوم، همانند هر مفهوم دیگر، در بستر

\* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران.

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران. (مکاتبه کننده)

تاریخی- اجتماعی و در درون شبکه‌های مفهومی، محتوا و معنای خود را آشکار می‌سازد. این محتوا و معنا، ثابت نبوده و به اعتبار تحولات پدید آمده در جوامع و رویکردهای نظری، دستخوش تغییر شده است.

شهروندی اصلی است که بر روابط دولت و اعضای جامعه نظارت می‌کند؛ یعنی از یک سو به امتیازات دولت و حقوق افراد و از دیگر سو به مناسبات و فرایندهای تاریخی افراد مربوط می‌شود. با این که شهروندی اعتبار فرد را در جامعه مشخص می‌کند، اما همزمان بر بسترهای اجتماعی که فرد در آنها رفتار می‌کند، نیز تأکید دارد. به بیان دیگر، شهروندی پیوند میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند.

از طرفی «حقوق شهروندی» در تعریف خود ناظر بر حقوق فردی و رابطه فرد با دولت و دیگر شهروندان است و در بر گیرنده ابعاد سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. اگر در تعاریف گوناگون مفهوم شهروندی، جنبه‌های حقوقی آن مورد تأکید قرار گرفته است، ولی علاوه بر حقوق، دربرگیرنده مجموعه‌ای از تعهدات و تکالیف است. اهمیت این مطلب از آن جهت است که طبق این تعریف مسئولیت شهروندی همان خودآگاهی مردم از حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۸). بدین معنا که افراد تا نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی نداشته باشند، از وظایف خود آگاه نخواهند شد و به آن عمل نخواهند کرد چرا که حقوق بر مسئولیت دلالت داشته و در خلأ شکل نگرفته است. پس شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و آنها را محترم شمارند.

بحث از کمیت و کیفیت این حقوق و تکالیف، حجم وسیعی از گفتارها و نوشتارها را به خود اختصاص داده و این مسئله را مطرح ساخته که تحقق حقوق شهروندی در گرو شناخت و آگاهی مؤثر آن است. بنابراین «کارکرد اصلی شهروندی اداره جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند» (فالكس، ۲۰۰۰: ۱۶۷).

در چند دهه اخیر حقوق شهروندی توجه متفکران زیادی را به خود جلب کرده است. جایگاه حقوق برای حل موفقیت‌آمیز مسائل مهم حکومت‌داری یعنی نیاز به توزیع عادلانه منابع و حفظ نظم بسیار حیاتی بوده و نقش مهمی را در حل برخوردهای اجتماعی ایفا کرده است. چرا که رعایت حقوق شهروندی منوط به شناسایی این حقوق در جامعه، چگونگی عمل به آنها و نحوه ضمانت اجرایی آنهاست که خود عاملی مهم در جهت رشد شخصیت فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. بر این اساس، آگاهی از حقوق شهروندی به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای فرد و دیگر اعضای جامعه می‌شود. بنابراین میزان آگاهی از حقوق و تعهداتشان و شیوه‌های فعال شدن آن فرد در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقاء آن نقش مؤثری دارد.

بنابراین شهروندی بیش از آن که نیازمند بحث درباره شاخص‌ها و مؤلفه‌های حقوق و وظایف باشد، ضرورت بررسی پیرامون عواملی مؤثر بر میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی‌شان را بازتاب می‌دهد.

بنابراین هدف بررسی مذکور، شناخت وضعیت شهروندی در شهر خرم‌آباد و ارائه راهکارهایی که بتواند آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی را به دنبال داشته و تحقق آن را در میان مردم جامعه تسهیل کند را ارائه

نمایید. جامعه‌ای که در آن ردپای شهروندی را می‌توان در انقلاب مشروطه یافت، اما هنوز با مسائل جدی در آگاهی و عمل به شهروندی روبروست. پس در پرسش‌آغازین این پژوهش، بررسی وضعیت میزان آگاهی شهروندان از ابعاد گوناگون حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته شده است.

## اهمیت و ضرورت

در عصر حاضر، شناسایی مؤلفه‌های شهروندی، تعریف فرهنگ شهروندی، چگونگی انتقال این مفاهیم به افراد جامعه و اعمال این ویژگی‌ها و خصوصیات در زندگی اجتماعی یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها در هر کشوری است، زیرا رفاه و امنیت هر جامعه‌ای در گروه مشارکت و همکاری شهروندان آن است. اما مردم زمانی مشارکت خواهند کرد که هر یک به عنوان شهروند یعنی فردی آزاد و صاحب حق و قدرت و حوزه عمل شناسایی شوند و سپس به تکالیف خود یعنی رعایت قانون، ضوابط و مقررات به اختیار تن در دهند و در چارچوب حقوق خود مشارکت ورزند و این مهم مستلزم آگاهی و شناخت کافی شهروندان از عناصر اصلی فرهنگ شهروندی و شهرنشینی و به ویژه حقوق و تکالیف شهروندی است.

همان‌گونه که روشن است حقوق شهروندی جزء لاینفک جامعه مدنی و مبنای تشکیل آن به شمار می‌رود، چرا که امکان مشارکت داوطلبانه همه افراد را در تمام عرصه‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. بنابراین، در گذر از جوامع سنتی به مدرن، تغییراتی در جهت تحقق شهروندی در سطح فردی و ساختاری پدید می‌آید و همچنین شهروندی در دوره زمان نسبتاً کوتاهی، به مفهوم مهمی برای توصیف درک و تبیین شیوه‌های گوناگونی که اعضای جامعه در فرآیند توسعه (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جنسیتی) سهم یا از آن محرومانند، بدل گردیده است (شیانی، ۱۳۸۳: ۱۰).

با توجه به بافت فرهنگی - اجتماعی لرستان به ویژه شهر خرم‌آباد، میزان بالای حاشیه‌نشینی در شهر و توجه به موارد منفی خاص‌گرایی (قبیله‌گرایی) و عدم توجه مناسب به عام‌گرایی، لزوم توجه و اهمیت دادن به مؤلفه‌های شهروندی که زمینه‌های لازم را برای زیست در یک جامعه فراهم می‌کند را ضروری می‌نماید. بنابراین اهمیت آگاه‌سازی و زمینه‌سازی برای تحقق حقوق شهروندی در شهر خرم‌آباد را دوچندان می‌کند. مطالعه درباره شهروندی و حقوق و وظایف آن در واقع پرداختن به یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در جامعه ما می‌باشد و به تدریج توجه و تمرکز محققان و کارشناسان و برنامه‌ریزان اجتماعی را به خود معطوف ساخته است. انجام این پژوهش نیز گامی کوچک در این جهت می‌باشد.

## پیشینه تحقیق

- شیانی (۱۳۸۲) در رساله دکتری خود با عنوان «وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران» نشان می‌دهد که شهروندی در ایران پدیده‌ای نو و در حال تحقق است و موانع بر سر راه آن امری قابل پیش‌بینی به شمار می‌رود و تحقق کامل آن نیازمند پیش‌شرط‌ها و الزامات خاصی است. طبق یافته‌های این تحقیق اصلی‌ترین موانع تحقق شهروندی در ایران را از یک سو می‌توان به فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی در سطح کلان مربوط دانست که بر

توانمندی جامعه برای پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های اعضای خود بازمی‌گردد و از سوی دیگر به نبود آگاهی و شناخت، مهارت‌های فکری و مشارکتی، وضعیت رفاهی مناسب، عدم مشارکت و حضور در فعالیت‌های داوطلبانه و نوع ارزش‌ها و نگرش‌های افراد که بر توانایی اعضای جامعه دلالت دارد. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که شهروندی واقعی زمانی تحقق می‌یابد که زمینه‌های عینی و ذهنی آن فراهم شود.

- اسکانی (۱۳۸۷) در پژوهش خود به بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد می‌پردازد. در این مطالعه میزان آگاهی با معرف‌های شرکت در انتخابات، مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه، جوّ سیاسی خانواده و پایگاه اجتماعی و اقتصادی و طرز تلقی از مشارکت سنجیده شده است که بین همه موارد مطرح شده و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

در بخشی از نتایج آمده است که مشارکت زمینه‌ساز آگاهی سیاسی از جمله آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی است که در کشور ما ضعیف می‌باشد و مشارکت و عضویت مردم در انجمن‌ها، گروه‌ها، تشکلهای سیاسی و... تأثیر بسزایی در بالا بردن آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی دارد، اما به نظر می‌رسد امکانات و حمایت لازم از سوی دولت در این زمینه صورت نمی‌گیرد.

وی مشارکت مردم در امور جامعه و طلب حق خود و سرانجام تکالیف و تن دادن داوطلبانه به آنها را مستلزم شناخت و آگاهی کافی شهروندان از عناصر اصلی فرهنگ شهروندی و شهرنشینی به ویژه حقوق و تکالیف شهروندی می‌داند.

بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی بر فرآیند تحقق حقوق شهروندی عنوان پژوهشی است که توسط احمدی (۱۳۸۳) به منظور تهیه پایان‌نامه کارشناسی ارشد در شهر تهران در دانشگاه الزهراء تهیه شده است. این مطالعه به بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، سرمایه اجتماعی، میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه، میزان انتخاب عقلانی و متغیرهای اقتصادی اجتماعی بر میزان شدت درگیری مدنی شهروندان می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در مجموع، میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی کم و تعهدات شهروندی نیز از آن کمتر است. همچنین میزان درگیری و مشارکت مدنی شهروندان در سطح پایینی قرار دارد و می‌توان آن را در قالب درگیری‌های برخوردی و ارتباطی و درگیری‌های اعتراضی طبقه‌بندی کرد و رابطه میزان انتخاب عقلانی با میزان و نوع درگیری شهروندان تأیید و سایر فرضیه‌ها رد شدند.

- هولستون (۲۰۰۰) مطالعات میدانی گسترده‌ای در زمینه شهروندی انجام داده است. به نظر وی فرآیند تجربه چند دولت از ۱۹۱ دولت حاکم جهان نشان می‌دهد که دیگر احساس تعلق و عضویت در جامعه سیاسی مهمترین احساس نیست. در برخی موارد عضویت‌های محلی و موارد دیگر عضویت‌های قومی یا سرزمینی خاصی جای آن را می‌گیرد و از میان نیروهای اصلی در فرآیند جهانی شدن معاصر، جهانی شدن دموکراسی مهمترین تأثیر را بر شهروندی دارد و از میانه دهه ۱۹۷۰ «گفتمان‌های حقوق دموکراسی» با نیروی فوق‌العاده در جهان در گردش است که دموکراسی را یک ارزش جهانی دانسته که متعلق به یک کشور یا سنت فرهنگی خاصی نیست و بیان می‌دارد که شهرها مکان‌های اصلی برای تأثیرگذاری دموکراسی جهانی و صحنه مهم شکل‌گیری مفهوم جدید شهروندی هستند و در آنجا مردم برای مقابله با نابرابری‌ها و مشکلات زندگی پا به میدان می‌گذارند و به گفتمان‌های حقوق متوسل می‌شوند و دستور کار تازه‌ای برای شهروندی تعیین می‌کنند.

هولستون حقوق را به سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، شهری و فرهنگی تقسیم می‌کند و در تحقیق خود نشان می‌دهد که این حقوق بطور یکسان میان مردم توزیع نمی‌شود و حقوق گاه به صورت قانونی و گاه صوری به افراد تعلق می‌گیرد بی‌آنکه در عمل رعایت شود و یا بالعکس.

ووگل با مرور تاریخی بر نظریه شهروندی نتیجه می‌گیرد که موانع برابری جنسی بین مردان و زنان کمی و رسمی نبوده، بلکه کیفی است. در سوریه و لبنان پژوهشی توسط رابو (۱۹۹۱) انجام شد که نظریه ووگل را تأیید می‌کند. ووگل بیان می‌دارد که موقعیت حقوقی زنان موضوع پیچیده و نامشابه با مردان است. آنان حداقل موقعیت شهروندی را به عنوان متعهدان آزاد به قانون دارا نیستند، به درجاتی تحت قیمومیت پدران و شوهران خود هستند و صرفاً بر زمین ارباب‌هایشان زندگی می‌کنند.

در تحقیقی که در ارتباط با سنجش مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و نقش آن در توسعه استان، نتایج تجربی نشان می‌دهد که شهروندان لرستان من جمله خرم‌آباد از وضعیت مناسبی در رابطه با این مؤلفه‌ها برخوردار نمی‌باشند (گنجی، ۱۳۸۱). در تحقیقی که توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) شعبه خرم‌آباد در مورد اولویت‌های مسائل اجتماعی استان صورت گرفته است. از بیکاری با ۹۴/۸ درصد، فقر ۸۴/۲ درصد و قانون‌گریزی و عدم توجه به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی نیز درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند (معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی لرستان: ۱۳۹۰).

## مبانی نظری

شهروندی در تحول تاریخی خود، راه پرفراز و فرودی را پیموده است. اما صرف نظر از آنچه می‌توان در روند تغییر جوامع به آن توجه کرد؛ بایستی به نوع ساختار مفهومی که برای تعریف و تبیین شهروندی در این گستره عرضه شده پرداخته شود. در بررسی تحولات نظری مفهوم به یک اعتبار می‌توان دو مدل مفهومی، مدل لیبرالیسم و مدل جمهوری خواهی مدنی را از هم تفکیک کرد. مفاهیمی که در هسته مشترک سنت لیبرالی در ارتباط با بحث شهروندی باید مدنظر قرار داد حقوق، آزادی، عقلانیت و خودمختاری است. در حالیکه مفاهیم اصلی سنت جمهوری خواهی مدنی تعهدات و وظایف، مشارکت، وابستگی متقابل و عدالت است (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۴). اگرچه اندیشه شهروندی را می‌توان در تفکرات فلسفی و سیاسی دوران باستان و قرون وسطی مشاهده کرد اما پیشینه ظهور این مفهوم به عنوان ابزار مهم تحلیلی در تفکر جامعه‌شناسی به آرای تی.اچ. مارشال باز می‌گردد. مارشال به عنوان محقق در نظر گرفته می‌شود که برای اولین بار نظریه شهروندی را ارائه داده است. از دید مارشال، شهروندی «موقعیتی» است که به همه اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارا هستند، با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آنها، با یکدیگر برابرند. هیچ اصل فراشمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف چیستند، اما جوامعی که در آنها شهروندی نهادی در حال رشد است، تصویری از شهروندی آرمانی خلق می‌کند که دستیابی به آن قابل اندازه‌گیری است و می‌توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق داد (Marshall, 1967: 77). به عقیده مارشال شهروندی به سه بخش مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود. «حقوق مدنی شامل آزادی از انواع مشخصی از تجاوز غیرقانونی به ویژه به وسیله دولت است». حقوق سیاسی به معنای برخورداری همه افراد

از زمینه‌های مشارکت در بخش‌های گوناگون جامعه است. حقوق اجتماعی هم طیف وسیعی از انواع حقوق مانند حق برخورداری از کمترین میزان رفاه و امنیت و زندگی کردن مطابق با استانداردهای رایج و غالب در جامعه به شیوه‌های موجود متمدن را شامل می‌شود (Marshall, 1964: 19-21).

پارسونز شهروندی را نتیجه ظهور جامعه سرمایه‌داری صنعتی می‌داند و معتقد است که تمام تغییراتی که در جامعه صنعتی رخ داده نظیر شهری شدن، صنعتی شدن، عقلانیت و... بستر مناسبی را برای این پدیده بوجود آورده. وی با مبنا قراردادن متغیرهای الگویی عام‌گرایی، بی‌طرفی ارزشی، اکتساب و نیز جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری از شهروندی به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی عرضه می‌کند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷).

عام‌گرایی یک سوی دو گانه خاص‌گرایی - عام‌گرایی از متغیرهای الگویی پارسونز است که وی آن را برای تحلیل کنش بکار برد. عام‌گرایی منعکس‌کننده ذهنیتی در افراد است که به واسطه آن شهروندی را بجای مجموعه گوناگونی از همسایگان، خویشان و دیگر افراد محلی جانشین کنند (بومن، به نقل از ذکایی، ۱۳۸۲: ۶۸).

خاص‌گرایی سوی دیگر عام‌گرایی است که افراد جامعه را به مثابه ویژگی‌های خاص آنها چون دوستان، خویشان، زنان و غیره می‌بیند. یک شهروندی کامل به دور از هر گونه تبعیض اجتماعی به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی از حقوق خود است. بنابراین آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تامین انواع گوناگون منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و باز تولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. از نظر پارسونز بایستی برای دستیابی به هویت عام شهروندی؛ هنجارهای عام را در قالب فعال‌گرایی، عام‌گرایی، آزادی، مساوات‌طلبی و معیارهای اکتسابی گسترش داد (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۶). از نظر گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تاکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات «شهروندی» نخواهند داشت و این گروه آگاهی کمتری از حقوق شهروندی خود دارند (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱).

هابرماس معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی - سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به عنوان شهروندی دارای حقوق؛ عضو تمام عیار جامعه خود می‌گردند. در چنین حوزه‌ای نتیجه و پیامد گفتگو مهم نیست بلکه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک باشد بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند. به نظر وی اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی به ایفای نقش شهروندی خواهند پرداخت که پیش شرط آن ظهور تعدد و تکثیر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی و مسئولیت حقوق شهروندی است (Habermas, 1994: 345-349 به نقل از شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۷). یورگن هابرماس حرکت جهانی حاضر را به سمتی می‌داند که همه شهروندان باید به شکل دموکراتیک و فعال در آن به ایفای نقش بپردازند پس باید از حقوق خود آگاهی داشته باشند (انصاری، ۱۳۸۴: ۹۹). از طرفی دارندروف، شهروندی را موتور پویای حرکت گروه‌های اجتماعی می‌داند. اگرچه شهروندی یک موقعیت حقوقی برای همه افراد به شمار می‌رود اما در واقع یک امتیاز برای عده‌ای از افراد به شمار می‌رود که از آن برخوردارند (Dahrendrof, 1994: 14-18).

مارکس با زیربنا قرار دادن ساختار اقتصادی و تأثیر آن بر نقش‌های اقتصادی افراد، جامعه مدنی را همان جامعه بورژوازی می‌داند که عرصه‌ای مبتنی بر بازار و مالکیت خصوصی است. اعلامیه «حقوق بشر و شهروند» نیز صورت ظاهری برای پنهان کردن واقعیت و نقابی بر نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی است. (ترنر، ۱۹۹۰ به نقل از شیانی، ۱۳۸۱: ۶۵). مارکس معتقد است که «حقوق بشر» از حقوق شهروندی متمایز است و این تمایز چیزی نیست جز حقوق اعضای جامعه مدنی، یعنی حقوق انسان خودپرست، انسان جدا شده از انسان‌های دیگر و جدا شده از جماعت (Marx, 1967: 24-35). مارکس معتقد است که موقعیت سیاسی شهروند می‌توانست با واقعیت جامعه در تضاد باشد. از این رو برای مؤثر واقع شدن حقوق مدنی و سیاسی در جهت قدرت‌بخشی به شهروندان، این حقوق باید با سطوح معینی از آموزش و رفاه اقتصادی تقویت می‌شدند.

به زعم مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی و اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. بر این اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند. آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. پس باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوقشان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۵). به عقیده فمینیست‌ها زنان به سه شیوه کاملاً متعارض از حقوق شهروندی محروم شده‌اند اول اینکه زنان هنگامی که باید حقوقی مانند حقوق مردان داشته باشند به عنوان جنس مخالف مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. دوم اینکه رفتار متمایز زمانی می‌تواند تساوی کاملی را ایجاد کند که زنان مانند مردان در نظر گرفته شوند. سوم اینکه بعضی از حقوق شهروندی به ویژه حقوق اجتماعی به گونه‌ای متفاوت به زنان و مردان اعطا شده‌اند و در چنین مواردی با زنان به عنوان شهروندان پست‌تر رفتار می‌شود (نش، ۱۳۸۰: ۱۹۹).

و به نظر یانگ برای ارتقای شهروندی ما باید هویت گروهی را جدی بگیریم چراکه این گروه‌ها هستند که افراد را می‌سازند (Yoang, 1990: 187) و برای اینکه شهروندی واقعاً فراگیر باشد باید نیاز به یک سیاست تفاوت به رسمیت شناخته شود. یانگ در استدلالش تعریف آن دسته از گروه‌های اجتماعی را که مستحق حقوق ویژه هستند بیشتر محدود می‌کند در راستای تأکید بر حقوق گروهی کیملیکا در پی احیای نوعی نظریه لیبرالی اقلیت‌ها را محترم بشمارد. به نظر وی به رسمیت شناختن تفاوت‌های فرهنگی از طریق اعطای حقوق شهروندی چند قومی متمایز، به یکپارچگی کامل کمک می‌کند (نش، ۱۳۸۰: ۲۲۲). پس هر دو متفکر معتقدند که شهروندی باید در گروه‌های اجتماعی ریشه داشته باشند و نمی‌تواند یک موقعیت کاملاً فردی باشد.

### چارچوب نظری پژوهش

از آنجا که هر جامعه‌ای با توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز به شهروندان آگاه دارد تا بتواند در قالب حقوق و وظایف و مسئولیت‌های تعیین شده در چارچوب فضای سیاسی-اجتماعی فعالیت کنند، حصول به چنین هدفی مستلزم تدابیر و زمینه‌های لازم برای آگاه‌سازی شهروندان است (فتحی، ۱۳۸۱: ۲۳).

شهروند واقعی کسی است که به حقوق و وظایف خود آگاه است و بدان‌ها عمل می‌کند و در فضای عمومی که لازمه شهروندی است با سایر شهروندان کنش دارد پس باید آگاه‌سازی شهروندان از حقوق و وظایف خود و عوامل مؤثر بر میزان آگاهی آن توجه کرد.

به طور کلی و با توجه به نظریاتی که در مبانی نظری مطرح شد، تقریباً تمام گفتمان‌ها و نظریه‌های برخی از مضامین مورد مطالعه را توضیح می‌دهند. به بیان دیگر هر یک شهروندی را از دیدگاه‌های متفاوت تعریف کرده و عوامل گوناگونی را بر آن مؤثر دانسته‌اند. این امر حاکی از آن است که شهروندی می‌تواند از رویکردهای متفاوت مورد بررسی قرار گیرد چنان که لیبرال‌ها بر حقوق فردی متمرکز شده و نگرش‌های جمهوری خواهان بر مسئولیت‌ها و تعهدات و وظایف تاکید دارند و نظریه ترکیبی وابستگی متقابل میان حقوق و وظایف را در نظر می‌گیرد. این رویکرد مستلزم شهروندی فعال است که با فرد آغاز و از طریق کنش‌های فردی شرایط ساختاری شهروندی را باز تولید می‌کند (فالکس، ۲۰۰۰: ۱۰۸).

از دیدگاه نظری نیز جامعه‌شناسان گوناگون در زمینه شهروندی نیز نظریه‌پردازی کرده‌اند. از جمله هابرماس معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی - سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. به نظر او اعضای جامعه صرفاً در حوزه عمومی و جامعه مدنی از نقش شهروندی برخوردار خواهند شد به عقیده هابرماس حکومت باید نقش اساسی در پرورش شهروندان آگاه و متعهد داشته باشد و زمینه را برای رشد آن فراهم کند.

پارسونز متغیرهای الگوی دو گانه عام‌گرایی و خاص‌گرایی را مبنا قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که به زعم گروه‌هایی که بر ارزش‌های کیفی و خاص خود تاکید می‌کنند و با تغییرات و مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی و سیاسی وفق نداده‌اند درک درستی از حقوق شهروندی ندارند. پارسونز معتقد است به منظور دستیابی به هویت شهروندی که هویتی عام است بایستی هنجارهای عام را در جامعه گسترش داد. پس این هنجارهای عام را عامل مؤثر بر افزایش میزان آگاهی از حقوق شهروندی می‌داند و به زعم مارشال نیز شهروندی موقعیتی است که به همه اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. مارشال برای شهروندی سه عنصر قائل می‌شود حقوق مدنی (آزادی‌ها فردی، آزادی بیان و...) حقوق سیاسی (حق رأی، حق مشاکت سیاسی و...) حقوق اجتماعی (حق امنیت، رفاه اجتماعی و...) به نظر مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی - اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. بر این اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از حقوق شهروندی نیز برخوردار نیستند. بنابراین باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوق‌شان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت. به نظر مارکس پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی مؤثر است.

پست مدرن‌ها همچون یانگ، کیملیکا معتقدند که شهروندی باید در گروه‌های اجتماعی ریشه داشته باشد و نمی‌تواند یک موقعیت کاملاً فردی باشد. بنابراین شهروندی باید حقوق اقلیت‌ها را نیز در بر گیرد و همه افراد صرف نظر از نژاد و قومیت باید از حقوق شهروندی برخوردار شوند و از نظر فمینیست‌ها اگرچه بخشی از مسأله طرد زنان از حقوق شهروندی به شرایط سیاسی مربوط می‌شود اما بسیاری از موارد به شرایط فرهنگی حاکم و پذیرش خود زنان مربوط می‌شود. بنابراین زنان برای اینکه به مثابه شهروندان عامل زندگی کنند، باید آگاهی از حقوق شهروندی خود را معطوف به علمشان در تمام عرصه‌های زندگی کنند.



بنابراین براساس رهیافت‌های نظری می‌توان خاطر نشان کرد افراد نیازمند شناخت و آگاهی‌ها در زمینه مسائل و امور گوناگون از جمله حقوق و مسئولیت‌های خود هستند. اما صرفاً آگاهی آنان را به شهروند تبدیل نکرده و شهروندی را محقق نمی‌سازد. این پدیده هنگامی که افراد و گروه‌ها به منابع گوناگون دسترسی داشته و بسترها و فرصت‌های فعالیت و پذیرش آزادانه، مسئولیت‌ها برای آنان در جامعه مهیا شود، پدیدار خواهد شد. بنابراین میزان آگاهی و تبع آن عمل شهروندی در تعامل با سایر عوامل در سطوح فردی و ساختاری است.

در این قسمت با بهره‌گیری از ادبیات نظری و تجربی فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر تدوین و ارائه می‌گردد:

- تا چه اندازه شهروندان خرم‌آباد از ابعاد حقوق شهروندی - سیاسی، اجتماعی، مدنی - آگاه هستند؟

- به نظر می‌رسد بین جنسیت شهروندان خرم‌آباد و میزان آگاهی شهروندان خرم‌آباد از حقوق شهروندی

رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات شهروندان خرم‌آباد و میزان آگاهی شهروندان خرم‌آباد از حقوق

شهروندی رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین سن شهروندان خرم‌آباد و میزان آگاهی شهروندان خرم‌آباد از حقوق شهروندی رابطه

وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین وضعیت تأهل شهروندان خرم‌آباد و میزان آگاهی شهروندان خرم‌آباد از حقوق شهروندی

رابطه وجود دارد.

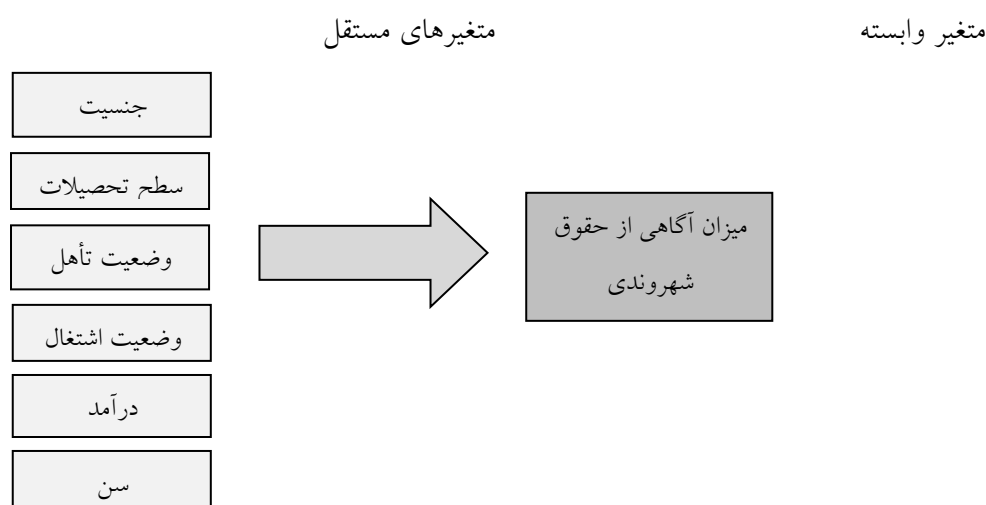
- به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال شهروندان خرم‌آباد و میزان آگاهی شهروندان خرم‌آباد از حقوق

شهروندی رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین درآمد شهروندان خرم‌آباد و میزان آگاهی شهروندان خرم‌آباد از حقوق شهروندی رابطه

وجود دارد.

با توجه به فرضیه‌های تحقیق، مدل نظری این پژوهش به شکل زیر ارائه می‌گردد:



## متغیرهای تحقیق

اصلی‌ترین متغیر مورد بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوده که از عناصر مفهومی چند گانه تشکیل شده و آگاهی از حقوق شهروندی این است که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شهروندی چه چیزهایی می‌دانند و این دانسته‌ها چقدر مطابق با واقعیت است (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۲۸). در برداشت دیگر آگاهی به معنای صفت یا گروه اجتماعی است که دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال مسائل جاری در یک حوزه خاص دارد (آقابخش، ۱۳۷۶: ۳۱).

حقوق شهروندی نیز به معنای مجموعه‌ای از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، جنسیتی و فرهنگی است که شهروند از آن برخوردار می‌شود. به عبارت دیگر حقوق شهروندی شامل حقوق و تکالیف مردم در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن می‌باشد (تقی‌لو، ۱۳۸۲).

در پژوهش حاضر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی در قالب مؤلفه‌های حقوق مدنی (آزادی بیان و اندیشه، برابری در قبال قانون و...) حقوق سیاسی (حق رأی، شرکت در امور سیاسی و...) حقوق اجتماعی (برابری در فرصت‌ها، استفاده از خدمات گوناگون و لحاظ کردن مصالح و منافع همه اقشار، طبقات و گروه‌های اجتماعی در تصویب قوانین) حقوق فرهنگی (احترام به تنوع فرهنگی شهروندان) و حقوق جنسی (حذف هر گونه تبعیض علیه زنان در ابعاد گوناگون) که شهروندان ما می‌بایست نسبت به آنها آگاهی داشته و از خود نسبت به آنها گرایش نشان داده و آنها را بکار گیرند مورد سنجش قرار گرفته است (تقی‌لو، ۱۳۸۲: ۲۲۸-۲۲۲).

پایگاه، همان‌طور که آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی این مفهوم را جایگاهی می‌داند که هر کس در ساخت اجتماعی اشغال می‌کند و همچنین وضع یا اعتبار اجتماعی که معاصران فرد به او در بطن جامعه، جامعه‌ای که زندگی می‌کند تفویض می‌دارند. به عبارت دیگر جایی که یک فرد خاص در نظام مخصوص و در زمانی معین اشغال می‌کند، پایگاه او خوانده می‌شود (بیرو، ۱۳۷۶: ۳۸۱). در این پژوهش متغیرهایی چون سطح درآمد، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

در این پژوهش جنسیت به عنوان یک متغیر تبیین‌کننده و تأثیرگذار بر آگاهی از حقوق شهروندی مورد توجه قرار گرفته است. چافتر معتقد است که اگر تقسیم کار در سطح کلان در جامعه جنسیت یافته صورت گیرد، به مرور زمان مردان به منابعی بیش از زنان دست می‌یابند و این مسأله باعث می‌شود مردان کمتر در خانه به کار پردازند و کارهای منزل را جزء وظایف زنان به حساب آورند. در نتیجه مردان، هم در جایگاه مادی و هم در جایگاه قدرت به صورت نخبه درمی‌آیند و می‌توانند همه‌ی کارهای زنان را در اختیار گیرند. یکی از عوامل تداوم تقسیم کار سنتی جنسیتی، وجود و بازتولید تعاریف جنسیتی تأییدکننده تقسیم کار و نظام نقش‌های جنسیتی است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در برخورداری از حقوق شهروندی و آگاهی از آن دارد (نبوی و احمدی، ۱۳۸۶: ۶۰). و در غالب پژوهش‌های اجتماعی از عامل سن برای تبیین برخی پدیده‌ها استفاده می‌شود. سن به دلایل متعدد می‌تواند نقش تعیین‌کننده در میزان آگاهی از حقوق شهروندی داشته باشد. نیازهای افراد در طول مدت زندگی در سنین گوناگون، تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی جامعه در مدت زندگی افراد در جامعه و... می‌تواند تأثیرگذار بر میزان آگاهی

افراد باشد. بنابراین مشخصه‌های فردی افراد مورد مطالعه که به وسیله متغیرهایی چون سن، جنس، تأهل نیز ارتباط آنها با آگاهی از حقوق شهروندی نیز سنجیده شده‌اند.

جدول ۱- ابعاد و مؤلفه‌های متغیر حقوق شهروندی

ضریب آلفا	گویه‌ها و سؤال‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد	مفاهیم
۰۷۲/۶	۲۵-۱۹-۱۶- ۱۴-۱۱-۹	حقوق یکسان افراد از نظر مذهب، جنسیت، قومیت. عدم برخورداری افراد از حقوق و منزلت بیشتر، اطاعت همه افراد در برابر قانون، توانایی زنان در انجام مسئولیت‌ها، اجرای قانون به شکل یکسان برای همه، ایجاد فضای تعاملی برای بیان نظرات	حقوق مدنی	حقوق شهروندی
۰۷۱/۹	۳۴-۳۳-۳۲- ۳۱-۳۰-۲۹- ۲۸-۲۷-۲۶- ۲۲-۱۲	حق بیان نظرات برای همه، شرکت در گروه‌ها و احزاب، ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت در انتخاب کردن و انتخاب شدن، دسترسی به سایت‌های اینترنتی، به دست آوردن اطلاعات روز دنیا از طریق ماهواره، شرکت در انجمن‌های علمی، هنری و ادبی، شرکت در گروه‌های ورزشی و تفریحی، فعالیت در شوراهای انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای فعالیت در انجمن‌های مذهبی و امور خیریه، شرکت در انجمن‌های محلی و همسایگی، شرکت در تشکل‌های سیاسی، شرکت در گروه زنان	حقوق سیاسی	

۰/۶۹/۳	۲۴-۲۳-۲۰ ۱۸-۱۷-۱۵ ۱۰-۱۳	امکان بهره‌مندی از امکانات آموزشی و... آموزش شهروندان جهت آشنایی با حقوق و تکالیف خود، عدم قبیله‌گرایی، برخورداری همه از امنیت، جلوگیری از تخریب اموال عمومی، پرداخت مالیات، فعالیت داوطلبانه برای توسعه جامعه، مشارکت در امور گوناگون اجتماعی	حقوق اجتماعی	
--------	-------------------------------	--	--------------	--

## روش شناسی

مطالعه حاضر از نوع پیمایشی، مقطعی و پنهانگر است. جامعه آماری پژوهش همه مردم ساکن شهر خرم‌آباد که بالاتر از ۱۵ سال سن دارند می‌باشد که جمعیت آنان براساس آخرین آمار ارائه شده در سال ۱۳۹۱، ۴۲۰۰۰۰ هزار نفر می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول «کوکران» استفاده شده و حجم نمونه به دست آمده از این طریق برابر با ۳۸۲ نفر بوده و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و شیوه سهمیه‌ای انجام گرفته است.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه‌ای ۳۴ سوالی بوده و برای محاسبه اعتبار ابزار اندازه‌گیری از روش اعتبار صوری استفاده شده است. به این ترتیب که نظر کارشناسان و صاحب‌نظران در این حوزه پرسیده شد و در مرحله بعد پس از تعیین صحت و سقم عبارات، مقیاس‌ها و پرسش‌ها به صورت پرسشنامه‌ای تنظیم و مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. اندازه‌گیری میزان آلفای «کرونباخ» پرسشنامه مذکور برای کل و نیز خرده مقیاس‌های اصلی با انجام مطالعه مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری انجام شد که مورد تایید قرار گرفت و ضریب آلفای کرونباخ برای حقوق مدنی ۰/۷۲/۶ و حقوق سیاسی ۰/۷۱/۹ و حقوق اجتماعی ۰/۶۹/۳ به دست آمده است.

جدول ۲- جدول نمونه برحسب توزیع محل سکونت افراد در شهر خرم‌آباد

ردیف	نام بلوک	برآورد تقریبی جمعیت (نفر)	درصد	تعداد نمونه
۱	میدان تیر، باغ کشاورزی	۳۶۰۰۰	۸/۶۳	۳۳
۲	ناصرخسرو و کوی ارتش	۴۸۰۰۰	۱۱/۵۳	۴۴
۳	۶۰ متری، فازیک کیو و دره‌گرم	۴۵۰۰۰	۱۰/۷۳	۴۱
۴	اسدآبادی و شمشیرآباد	۵۰۰۰۰	۱۱/۸	۴۵
۵	علوی و پشته	۴۷۰۰۰	۱۱/۲۵	۴۳
۶	جلال آل‌احمد و شفا	۵۵۰۰۰	۱۳/۰۹	۵۰

۷	شیرخوارگاه و مطه‌ری	۴۷۰۰۰	۱۱/۲۵	۴۳
۸	پشت‌بازار و درب دلاکان	۴۹۰۰۰	۱۱/۵۲	۴۴
۹	مناطق مرکزی شهر	۴۳۰۰۰	۱۰/۲	۳۹
	جمع	۴۲۰۰۰۰	۱۰۰	۳۸۲

### توصیف و تبیین یافته‌ها

کل افراد بررسی شده در این پژوهش ۳۸۲ نفر است که ۱۹۴ نفر یعنی ۵۰/۸ درصد را زنان تشکیل می‌دهند و ۱۸۸ نفر یعنی ۴۹/۲ درصد را مردان نشان می‌دهد. رده سنی مجموع پاسخگویی ۷۰-۱۷ سال بوده که ۷۰/۲ درصد حدوداً ۳۶ ساله می‌باشند و ۲۲۸ نفر متأهل و ۱۳۵ نفر مجرد و ۴ نفر برابر با ۲/۴ درصد مطلقه بوده‌اند که نشان می‌دهد اکثر پاسخگویان متأهل می‌باشند.

وضعیت پاسخ‌دهندگان برحسب تحصیلات از مجموع پاسخگویی ۳/۴ درصد بی‌سواد و ۱۱ درصد دارای مدرک زیردیپلم و ۳۹ درصد از پاسخگویان دارای مدرک دیپلم یا فوق‌دیپلم و ۳۷/۶ درصد (۱۴۴ نفر) از این افراد دارای مدرک لیسانس و ۸/۱ درصد (۳۱ نفر) از پاسخگویان دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند که نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی به مدرک دیپلم تا لیسانس می‌باشد.

از نظر وضعیت اشتغال افراد مورد بررسی ۸۰/۶ درصد (۳۰۷ نفر) را افراد شاغل و ۱۹/۴ درصد (۷۵ نفر) را افراد غیرشاغل به خود اختصاص داده‌اند. از نظر وضعیت مسکن ۶۸/۳ درصد را کسانی تشکیل می‌دهند که دارای مسکن شخصی و ۲۷/۴ درصد اجاره‌نشین و ۳/۴ درصد از پاسخگویان در منازل سازمانی اسکان دارند.

۱. تا چه اندازه شهروندان خرم‌آباد از ابعاد حقوق شهروندی- سیاسی، اجتماعی، مدنی- آگاه هستند؟

#### جدول ۳- میزان آگاهی از حقوق شهروندی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	p
آگاهی از حقوق شهروندی از بعد سیاسی	۲/۲۲۰۵	۰/۶۵۲۴۸	-۱۰/۳۳۰	۳۸۱	۰/۰۰۰
آگاهی از حقوق شهروندی از بعد اجتماعی	۳/۱۸۳۵	۰/۷۸۴۰۹	۴/۵۱۵	۳۸۱	۰/۰۰۰
آگاهی از حقوق شهروندی از بعد مدنی	۳/۲۵۹۴	۰/۷۰۵۰۸	۷/۰۹۶	۳۸۱	۰/۰۰۰

میانگین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی از بعد سیاسی برابر با ۲/۹ و میانگین میزان آگاهی از بعد اجتماعی برابر با ۳/۱ و میانگین میزان آگاهی از بعد مدنی برابر با ۳/۲ می‌باشد. با توجه به مقدار t مشاهده شده برای این متغیرها برابر با (۱۰/۳۳، ۴/۵۱ و ۷/۰۹) در سطح معناداری (sig = ۰/۰۰۰) پس با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت آگاهی از حقوق شهروندی از ابعاد سه‌گانه ذکر شده در حد متوسط بوده، با توجه به میانگین‌های ذکر شده

آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در بعد مدنی بیشتر از دیگر ابعاد بوده و بعد از بُعد مدنی آگاهی از حقوق اجتماعی قرار می‌گیرد و کمترین میزان متعلق است به آگاهی از حقوق شهروندی در بعد سیاسی می‌باشد.

نتایج به دست آمده از توصیف ابعاد گوناگون حقوق شهروندی از بعد مدنی حاکی از آن است که حدوداً ۵۰ درصد افراد از نگرش منفی یا متوسط نسبت برخوردارند همه افراد جامعه از حقوق یکسان صرف‌نظر از قومیت، جنسیت بودند و فقط ۴۹ درصد آنان نسبت به این مسئله نگرشی مثبت داشته‌اند. در رابطه با اطاعت از قانون ۵۴ درصد افراد گزینه خیلی کم، کم یا متوسط را برگزیده‌اند که از افراد مورد مطالعه ۲۴ درصد آنها اطاعت از قانون را در حد خیلی زیاد را خواستارند که این خود نکته قابل توجهی می‌باشد.

در رابطه با ایجاد فضای تعاملی برای بیان نظرت در جامعه اکثر پاسخگویان خواستار و موافق این مسئله هستند که در جامعه می‌بایستی این نوع فضا ایجاد شود یعنی ۵۰ درصد از پاسخگویان و ۲۵/۵ درصد نیز نسبت به این مسئله نظر بینابین داشته‌اند. در رابطه با توانایی زنان در انجام مسئولیت‌ها حدوداً ۶۰ درصد پاسخگویان نگرش منفی یا بینابین نسبت به این مسئله داشته‌اند و فقط ۱۹/۴ درصد افراد مورد مطالعه این توانایی را در حد خیلی زیاد دانسته‌اند. نکته قابل توجه در این مسئله این است که کل افراد بررسی شده در این پژوهش ۳۸۲ نفر می‌باشند که ۵۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند و ۴۲ درصد افراد مورد مطالعه خواستار در نظر گرفتن حقوق ویژه برای برخی از افراد جامعه بودند و ۱۵ درصد آنان نظری بینابین نسبت به مسئله داشته‌اند.

بر اساس یافته‌ها، نتایج مربوط به میزان آگاهی از حقوق اجتماعی حاکی از آن است که امکان بهره‌مندی همه افراد از امکانات و فرصت‌ها بیشترین درصد میزان آگاهی (۵۳/۵ درصد) را به خود اختصاص داده است. در حالیکه مشارکت داوطلبانه برای توسعه و آبادانی کمترین درصد میزان آگاهی (۳۶/۱ درصد) را در میان افراد مورد مطالعه داشته است. همچنین ۳۵/۷ درصد افراد خواستار این مسئله بودند که آنها با قومیتشان شناخته شوند و ۱۸/۸ درصد از آنان نظری بینابین نسبت به مسئله داشته‌اند باید خاطر نشان کرد که عضویت در طایفه‌های گوناگون و تأکید بر وابستگی‌ها و تعلقات خاص گرایانه موجب دوری از شناخت شده و پس این گونه افراد آگاهی کمتری نسبت به حقوق شهروندی دارند. و ۴۸/۱ درصد از افراد خواستار آموزش حقوق شهروندی توسط نهادهای گوناگون از جمله رسانه‌ها شده‌اند.

همچنین نتایج مربوط به حقوق شهروندی از بعد حقوق سیاسی نشان می‌دهد که ۴۶/۸ درصد پاسخگویان خواستار اعتراض و یا سؤال از مسئولین جامعه در ارتباط با عملکردشان می‌باشند و ۴۵/۷ درصد افراد شرکت در احزاب و گروه‌های گوناگون را سبب بالا رفتن آگاهی از حقوق سیاسی دانسته‌اند و ۱۷/۲ درصد نیز نظری بینابین نسبت به این امر داشته‌اند و ۴۲/۵ درصد افراد خواستار فراهم آوردن زمینه‌های مناسب در جامعه برای انتخاب شدن و انتخاب کردن آزادانه جهت مشارکت هرچه بیشتر افراد در امور گوناگون سیاسی شده‌اند.

حضور در عرصه‌های عمومی با سؤالات متعددی مورد سنجش قرار گرفته که نشان دهنده مشارکت افراد مورد مطالعه است. چنان که نتایج مربوط به میزان عضویت در میان افراد نشان می‌دهد که میزان عضویت در تشکلهای و نهادهای مدنی در سطح پایینی است به طوری که (۵۷/۵ درصد) آنان در تشکلهای سیاسی یا شرکت ندارند و یا در حد خیلی کم و کم شرکت می‌کنند و فقط (۱۲/۶ درصد) آنان در حد زیاد در تشکلهای سیاسی شرکت می‌کنند و حدود ۳۰ درصد آنان نسبت به این قضیه نظر بینابینی داشته‌اند. کمترین میزان عضویت مربوط به شرکت در گروه

زنان می‌باشد با (۱۰/۲) و بیشترین میزان عضویت مربوط به فعالیت در هیئت‌های مذهبی و امور خیریه می‌باشد با (۳۲/۶ درصد).

در میان عضویت در سایر فعالیت‌ها، عضویت در شوراهای و امور صنفی نیز با استقبال روبرو نبوده و فقط (۱۳/۵ درصد) افراد مورد مطالعه در امور مربوط به شوراهای و امور صنفی شرکت فعالانه دارند و ۵۵/۶ درصد آنان شرکت در این گونه فعالیت‌ها در حد ضعیفی می‌باشد و (۳۲/۵ درصد) آنان نیز نظری بینابین نسبت به عضویت و یا مشارکت در این فعالیت‌ها داشته‌اند. به طور کلی از افراد مورد مطالعه سوال به عمل آمده که مشارکت آنها در امور گوناگون جامعه به چه میزان است که نتایج بدست آمده حاکی از آن می‌باشد که مشارکت آنها در حد ضعیفی می‌باشد چنانکه (۵۸/۶ درصد) مشارکت آنها در مور گوناگون جامعه در سطح پایینی می‌باشد و فقط (۱۲/۴ درصد) مشارکت فعالانه در امور گوناگون جامعه دارند (۲۹ درصد) مابقی افراد نظر بینابین را نسبت به مسئله فوق نشان داده‌اند. پس شرکت در گروه‌ها و تشکلهای و همچنین تجارب انتخاب شدن و شرکت در انتخابات گوناگون، سبب کسب مهارت‌های مشارکتی است و پس در این راستا، افرادی که در عرصه‌های اجتماعی و حوزه‌های عمومی چون انجمن‌ها، تشکلهای و نهادهای داوطلبانه حضور و همکاری بیشتری داشته باشند از میزان آگاهی بیشتر نیز نسبت به حقوق و وظایف شهروندی برخوردارند.

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان آگاهی از عناصر تشکیل دهنده حقوق شهروندی

ابعاد حقوق شهروندی	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد
برخورداری همه افراد از امکانات گوناگون	۲۳/۴	۱۶/۴	۶/۷	۱۸/۸	۵۳/۵
آموزش شهروندان در زمینه حقوق شهروندی	۲۵/۳	۱۵/۶	۱۱	۱۸/۳	۴۸/۱
شناسایی افراد بر اساس قومیت	۸۲/۲	۱۷/۲	۱۸/۸	۱۴/۵	۳۵/۷
برخورداری همه افراد از امنیت	۳۲/۴	۱۱/۸	۸/۹	۱۰/۵	۴۷/۱
پرداخت مالیات جهت آبادانی	۱۵/۱	۱۸	۱۹/۹	۲۳/۷	۴۷/۱
فعالیت داوطلبانه جهت توسعه و آبادانی	۱۹/۹	۱۶/۹	۲۷/۲	۲۰/۲	۳۶/۱
مشارکت در امور گوناگون جامعه	۴۳/۵	۱۴	۲۹/۸	۵/۶	۷
سؤال از مسئولین جامعه	۲۳/۱	۱۶/۹	۱۳/۲	۱۴/۵	۳۲/۳۳
حفاظت از اموال عمومی	۲۹	۲۲/۴	۱۷/۵	۱۸/۳	۱۲/۹
شرکت در احزاب و گروه‌ها سبب افزایش آگاهی می‌شود	۱۷/۲	۱۹/۹	۱۷/۲	۲۵/۸	۱۹/۹
ایجاد زمینه برای مشارکت آزادانه در جامعه	۱۹/۶	۱۸	۱۹/۹	۱۸/۸	۲۳/۷
به دست آوردن اطلاعات از طریق اینترنت	۲۱/۵	۱۵/۶	۳۱/۷	۱۵/۱	۱۶/۱
به دست آوردن اطلاعات از طریق ماهواره	۳۵/۵	۱۲/۶	۲۶/۶	۸/۹	۱۶/۴
شرکت در انجمن‌های علمی و هنری	۳۹/۸	۱۴/۲	۳۰/۹	۶/۷	۸/۳
شرکت در گروه‌های ورزشی و تفریحی	۲۳/۱	۱۶/۴	۳۲/۸	۱۴	۱۳/۷
فعالیت در شوراهای و انجمن‌های صنفی	۳۹	۱۵/۱	۳۲/۵	۷/۳	۶/۲

۹/۴	۱۰/۵	۳۳/۳	۱۴/۵	۳۲/۳	شرکت در فعالیتهای همسایگی و محلی
۱۸/۶	۱۴	۳۵/۸	۱۶/۹	۲۴/۷	فعالیت در هیئت‌های مذهبی
۷	۱۰/۵	۲۹/۱	۱۴	۴۳/۵	شرکت در تشکلهای سیاسی
۶/۲	۴	۳۲	۸/۶	۴۹/۲	شرکت در گروه زنان
۳۴/۴	۱۶/۷	۹/۴	۱۴	۲۵/۵	برخورداری از حقوق برای همه افراد
۲۱/۸	۲۰/۲	۱۵/۱	۲۱/۸	۲۱/۲	حقوق ویژه برای برخی افراد
۲۳/۹	۲۲	۱۸	۱۶/۹	۱۹/۱	اطاعت از قوانین برای همه افراد
۱۹/۴	۲۱/۸	۱۵/۱	۲۶/۱	۱۷/۷	توانایی زنان در انجام مسئولیت‌ها
۳۰/۴	۲۰/۷	۱۶/۱	۱۴/۸	۱۸	اجرای قانون به شکل یکسان برای همه افراد
۳۰/۴	۲۵/۵	۲۵/۵	۹/۷	۹/۹	ایجاد فضای تعاملی برای بیان نظرات

۲. بین جنسیت پاسخگویان و آگاهی از حقوق شهروندی نزد شهروندان حرم آباد تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون یومن - واینتی مربوط به رابطه بین جنسیت پاسخگویان و آگاهی از حقوق شهروندی

آگاهی از حقوق شهروندی	تعداد	میانگین رتبه‌ای
زنان	۱۹۴	۱۸۹.۴۵
مردان	۱۸۸	۱۹۳.۵۸
آزمون یومن-واینتی	یومن-واینتی	۱۸۰۳۲.۵
	Z	-۲.۲۳
	سطح معناداری	$P \leq 0.018$

همان طوری که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که بین میانگین رتبه‌های زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد ( $Z = -2.23$ ,  $P < 0.018$ )، با استناد به میزان آزمون Z که در سطح خطای ۰.۰۵٪ معنادار می‌باشد پس با اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان نمود که آگاهی از حقوق شهروندی در بین زنان و مردان تفاوت معنادار دارد بر این اساس و با توجه به میانگین رتبه‌ها، از نظر پاسخگویان آگاهی از حقوق شهروندی مردان بیشتر از زنان می‌باشد.

۳. بین سطح تحصیلات پاسخگویان و آگاهی از حقوق شهروندی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶- ضریب همبستگی اسپیرمن مربوط به رابطه بین سطح تحصیلات و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

تحصیلات	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰.۲۴۲	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰.۰۱۸	سطح معناداری
۳۸۲	تعداد کل



نتایج انجام آزمون اسپیرمن رابطه آماری بین دو متغیر سطح تحصیلات و آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان نشانگر معناداری آن است با توجه به مقادیر ضریب همبستگی اسپیرمن که برابر است با ۰.۲۴۲ و سطح معناداری به دست آمده (۰.۰۱۸) که از سطح معناداری برآورد شده یعنی ۰.۰۵ کمتر است بنابراین فرض معناداری این آزمون پذیرفته می‌شود و حاکی از این است که سطح تحصیلات پاسخگویان بر آگاهی از حقوق شهروندیشان موثر است با توجه به میزان این همبستگی به نظر می‌رسد شدت این همبستگی ضعیف می‌باشد و بیان می‌کند که با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان، آگاهی از حقوق شهروندیشان به نسبت کمی افزایش می‌یابد و بر آن موثر است و بین این دو متغیر رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد اما این تاثیر چشمگیر نمی‌باشد بنابراین فرضیه پذیرفته می‌شود

۴. بین سن پاسخگویان و آگاهی از حقوق شهروندی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷- ضریب همبستگی اسپیرمن مربوط به رابطه بین سن و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

		سن
ضریب همبستگی اسپیرمن	آگاهی از حقوق شهروندی	-۰.۱۸۵
سطح معناداری		۰.۰۲۳
تعداد کل		۳۸۲

نتایج انجام آزمون اسپیرمن رابطه آماری بین دو متغیر سن و آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان نشانگر معناداری آن است با توجه به مقادیر ضریب همبستگی اسپیرمن که برابر است با -۰.۱۸۵ و سطح معناداری به دست آمده (۰.۰۲۳) که از سطح معناداری برآورد شده یعنی ۰.۰۵ کمتر است بنابراین فرض معناداری این آزمون پذیرفته می‌شود و حاکی از این است که سن پاسخگویان بر آگاهی از حقوق شهروندیشان موثر است با توجه به میزان این همبستگی به نظر می‌رسد شدت این همبستگی ضعیف می‌باشد و بیان می‌کند که با افزایش سن پاسخگویان، آگاهی از حقوق شهروندیشان به نسبت کمی کاهش می‌یابد و بر آن موثر است و بین این دو متغیر رابطه مستقیم و منفی وجود دارد اما این تاثیر چشمگیر نمی‌باشد بنابراین فرضیه پذیرفته می‌شود

۵. بین وضعیت تاهل پاسخگویان و آگاهی از حقوق شهروندی نزد شهروندان خرم آباد تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸- نتایج آزمون مجذور خی مربوط به پاسخ‌های مردان و زنان در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی نزد

شهروندان خرم آباد

پاسخگویان	پاسخ‌ها/ شاخص‌ها	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	مجذور خی	درجه آزادی	سطح معناداری
-----------	------------------	----------	------	-----------	----------	------------	--------------

P<۰/۷۴۷	۴	۱/۹۴	۱۴	۸۷	۳۲	فراوانی مشاهده شده	مجرد
			۱۳/۶	۹۰/۹	۲۸/۵	فراوانی مورد انتظار	
			۲۵	۱۶۷	۴۸	فراوانی مشاهده شده	متاهل
			۲۴/۵	۱۶۴	۵۱/۵	فراوانی مورد انتظار	
			۰	۷	۲	فراوانی مشاهده شده	سایر
			۰	۶/۱	۱/۲	فراوانی مورد انتظار	
			۳۹	۲۶۱	۸۲	فراوانی مشاهده شده	کل
			۳۹	۲۶۱	۸۲	فراوانی مورد انتظار	

همان‌طوری که نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد، بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار پاسخ‌های افراد مجرد تفاوت معنادار وجود ندارد، بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار پاسخ‌های افراد متاهل تفاوت معنادار وجود ندارد و بین پاسخ‌های سایر افراد نیز تفاوت خاصی مشاهده نمی‌گردد و در مجموع بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار پاسخ‌های کل افراد مورد تحقیق تفاوت معنادار وجود ندارد ( $\chi^2 = 1.94, df = 4, P < 0.0747$ )، براین اساس و با توجه به فراوانی‌های مشاهده شده، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت تاهل افراد در آگاهی از حقوق شهروندی آنان تاثیری ندارد.

۶. بین وضعیت اشتغال پاسخگویان و آگاهی از حقوق شهروندی نزد شهروندان خرم آباد تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۹- نتایج آزمون یومن - وایتنی مربوط به وضعیت اشتغال پاسخگویان و آگاهی از حقوق شهروندی

میانگین رتبه‌ای	تعداد	آگاهی از حقوق شهروندی	
۱۹۰.۶۱	۳۰۹	شاغل	
۱۸۶.۳۴	۷۳	غیرشاغل	
۱۰۳۱۸		یومن-وایتنی	آزمون یومن-وایتنی
-۱.۳۸۳		Z	
$P \leq 0.167$		سطح معناداری	

همان‌طوری که نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که بین میانگین رتبه‌های افراد شاغل و غیر شاغل تفاوت معنادار مشاهده نمی‌شود ( $Z = -1.383, P < 0.167$ )، با استناد به میزان آزمون Z که در سطح خطای ۰.۵٪ معنادار نمی‌باشد.

باشد پس با اطمینان ۹۵٪ میتوان بیان نمود که آگاهی از حقوق شهروندی در بین شاغلین و غیر شاغلها تفاوت معنی ندارد.

۷. بین درآمد پاسخگویان و آگاهی از حقوق شهروندی آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰- ضریب همبستگی اسپیرمن مربوط به رابطه بین درآمد پاسخگویان و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

		درآمد
آگاهی از حقوق شهروندی	ضریب همبستگی اسپیرمن	-۰.۰۵۳
	سطح معناداری	۰.۳۰۸
	تعداد کل	۳۸۲

نتایج انجام آزمون اسپیرمن رابطه آماری بین دو متغیر درآمد و آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان نشانگر عدم معناداری آن است با توجه به مقادیر ضریب همبستگی اسپیرمن که برابر است با -۰.۰۵۳ و سطح معناداری به دست آمده (۰.۳۰۸) که از سطح معناداری برآورد شده یعنی ۰.۰۵ بیشتر است بنابراین فرض معناداری این آزمون رد می شود و حاکی از این است که درآمد پاسخگویان بر آگاهی از حقوق شهروندیشان تاثیری ندارد بنابراین این فرضیه پذیرفته نمی شود.

### جمع بندی (بحث و نتیجه گیری)

معنا و مفهوم شهروندی در مسیر حرکت خود از گذشته تا به حال تحولات زیادی را به خود دیده است. در یک جمع بندی شهروند کسی است که نسبت به مسائل جامعه خود آگاهی دارد و واجد فضیلت های مدنی و از مهارت های لازم جهت مشارکت در عرصه عمومی جامعه برخوردار است. (برن، ۱۹۹۶ به نقل از فتحی، ۱۳۸۱، ص ۲۱-۲۲). پس این مفهوم بازتاب مجموعه انتظارات در زمینه حقوق و مسئولیت ها در یک اجتماع خاص است که اعضاء نسبت به نهادها، جامعه و یکدیگر دارند. از آنجا که هر جامعه با توجه به زمینه های فرهنگی و اجتماعی نیازمند شهروندانی آگاه است تا بتواند در چارچوب حقوق و مسئولیت های تعیین شده در محدوده فضای سیاسی و اجتماعی فعالیت کنند، دستیابی به چنین هدفی مستلزم زمینه های لازم برای آگاه سازی افراد جامعه است. پس آگاهی از حقوق و وظایف امری حیاتی به شمار می رود.

در ابتدا به بررسی و مقایسه نتایج این پژوهش با ادبیات نظری و تجربی می پردازیم. از یک سو می توان از همسویی این یافته ها با نتایج مطالعه های پارسونز درباره شهروندی سخن گفت. هم صدا با وی یافته ها نشان داد که تحقق شهروندی محصول جامعه ای است که در آن ارزش ها و معیارهای همه شمول مبنای قضاوت افراد قرار

می‌گیرد و نگرش عام‌گرایی در ابعاد متعدد، عدم تبعیض جنسی، خاص‌گرایی (قوم‌گرایی)، برابری‌های مادی و غیرمادی، قانون‌گرایی، گسترش عقلانیت و... در جامعه بستر مناسب‌تری را برای رشد و تحقق حقوق شهروندی در بین مردم فراهم آورده و بر روی آگاهی افراد جامعه مؤثرتر خواهد بود و پس افرادی که بر ارزش‌های خاص‌گرایی و کهن تأکید می‌کنند، آگاهی کمتری از حقوق شهروندی خود دارند.

متفکر دیگری که در این خصوص نظریه‌های تائید شده تجربی ارائه کرده هابرماس است. وی حرکت جهان حاضر را به سمتی می‌داند که همه شهروندان باید به شکل دموکراتیک و فعال در آن به ایفای نقش پردازند. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند. در این راستا، افرادی که در عرصه‌های اجتماعی و حوزه‌های عمومی چون انجمن‌ها، تشکل‌ها و نهادهای داوطلبانه حضور و همکاری بیشتری داشته باشند از میزان آگاهی بیشتری نیز نسبت به حقوق و وظایف شهروندی برخوردار بوده‌اند، پس فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی شامل انجمن‌ها، تشکل‌ها و... از عوامل زمینه‌ای مؤثر در آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی هستند.

نتیجه‌ای که در برخی از سؤالات پژوهشی گرفته شده به خوبی توصیف جامعه مورد پژوهش را با نظرات مارکس نشان می‌دهد که شهروندی نیازمند منابع برای شناخت و آگاهی، کسب تجارب و مهارت‌های فکری و مشارکتی و برخورداری از رفاه نسبی است و اگر جامعه‌ای در ارائه منابع ضروری شکست بخورد و یا به نفع گروه‌هایی خاص عمل کند، شهروندی دچار نقصان می‌شود. بنابراین بهره‌مندی از منابع و امکانات رفاهی و اقتصادی جامعه زمینه را برای آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی فراهم می‌آورد.

همان‌طور که فمینیست‌ها نیز مطرح کرده‌اند و در این پژوهش مشاهده کردیم، محدودیت‌هایی اجتماعی و روندهای تاریخی و سایر محدودیت‌های عرفی، دست یافتن زنان را به حقوق شهروندی خود با مشکل روبرو کرده، بنابراین حمایت از تنوع با توجه به حقوق و مسئولیت‌های همه افراد و بدون محوریت هویت‌های خاص به جامعه اجازه می‌دهد تا حقوق و مسئولیت‌ها را فراتر از مسئله جنسیتی گسترش داده و بستر لازم را برای آگاهی زنان از حقوق شهروندی فراهم آورد.

با توجه به یافته‌های پژوهش در رابطه با رابطه بین سن افراد و آگاهی از حقوق شهروندی نتایج نشان داده شد که با افزایش سن آگاهی شهروندان به نسبت کمی کاهش می‌یابد، می‌توان برنامه‌های متنوعی از سوی متولیان امر جهت آگاهی همه افراد در سنین گوناگون فراهم آورده و آگاهی‌های موردنیاز را در زمینه مؤلفه‌های شهروندی متناسب با سنین آنها مورد توجه قرار داد.

همچنین یافته‌ها نشان داد که با افزایش سطح تحصیلات آگاهی افراد از حقوق شهروندی نیز افزایش می‌یابد نشان از آن دارد هرچه افراد جامعه در جهت رشد سطح علمی، آگاهی، مطالعه، ارتباط با مراکز علمی قرار داشته باشند میزان آشنایی آنها با حقوق و وظایف شهروندی نیز بیشتر می‌شود، ولی نکته‌ای که باید به آن اشاره شود این است که تقریباً به طور متوسط افراد جامعه نسبت به حقوق شهروندی آگاهی دارند و ضرورت توجه به نگرش و رفتار شهروندی نیز توجه جدی صورت گیرد. و همچنین بین وضعیت افراد مورد مطالعه از نظر مجرد یا متأهل بودن و شاغل یا غیرشاغل بودن و نیز بین درآمد افراد تفاوت معناداری از نظر میزان آگاهی از حقوق شهروندی مشاهده نشده است، نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین هر کدام از وارد مطرح شده در بین افراد مورد مطالعه مشاهده نشده است.

ولی نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نیز نشانگر برخی نکته‌های جالب و درخور تأمل می‌باشد.

۱. با در نظر گرفتن وضعیت حقوق شهروندی در بین افراد مورد مطالعه و نتایج به دست آمده از سنجش میزان آگاهی شهروندان از ابعاد گوناگون حقوق شهروندی نتایج نشان داد که شهروندان از آگاهی متوسط رو به پائین نسبت به حقوق شهروندی برخوردارند. این در حالی است که آموزش و آگاهی بخشی به شهروندان همان گونه که صاحب نظران گوناگون تأکید کرده‌اند، عنصری کلیدی و اساسی در آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی می‌باشد که نقطه شروع آن را باید در نهاد تعلیم و تربیت، نهادهای متولی امور فرهنگی و اجتماعی، دانشگاه‌ها و وسایل ارتباط جمعی جستجو کرد، پس این گونه نهادها می‌توانند نقشی دوسویه را در این امر انجام دهند. از یک سو شهروندان را با حقوق و وظایف خود آشنا سازند و از سوی دیگر با آموزش شهروندان شیوه‌های تأمین این حقوق و مسئولیت‌ها را فراهم آورند.

۲. با توجه به مشارکت ضعیف افراد مورد مطالعه در پژوهش در امور سیاسی و اجتماعی و... باید خاطر نشان کرد که لزوم وجود و فعالیت تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی میانی زمینه لازم را برای رشد آگاهی از حقوق شهروندی و به ویژه وظایف شهروندی فراهم می‌سازد. در حقیقت، حضور و مشارکت در عرصه سیاسی و اجتماعی و... جامعه، حس مسئولیت مشترک، مهارت‌های همکاری برای تلاش جمعی و در نهایت همبستگی در جهت توسعه جامعه در زمینه‌های گوناگون را در پی خواهد داشت.

۳. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برای تحقق شهروندی، نگرش‌ها و ایستارهای مناسب ضروری است. شهروندی محصول جامعه‌ای است که در آن هویت افراد نه بر اساس شبکه‌های قومی، قبیله‌ای و طایفه‌ای، بلکه بر محور ارزش‌ها و معیارهای عام تعیین شود. این نگرش به معنای رفع تفاوت‌ها نبوده، بلکه شناخت و حمایت از تنوع‌ها با توجه به حقوق همه افراد و بدون محوریت هویت‌های خاص مدنظر قرار می‌گیرد.

همان طور که در برخی مباحث نظری آمده، همبستگی میان اقوام و اعضای جامعه عنصر مهمی در تحقق اهداف و دستیابی به حقوق به شمار می‌رود. یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد عضویت در طایفه‌های گوناگون و تأکید بر وابستگی‌ها و تعلقات خاص گرایانه موجب دوری از شناخت شده، به طوری که افراد بدون تعلق طایفه‌ای از آگاهی بیشتری نسبت به حقوق و وظایف برخوردار هستند. این مسئله اهمیت تلاش در جهت بسط ارزش‌های عام و پذیرش نقش‌های عام چون شهروندی را آشکار می‌سازد. در قالب این نقش‌های عام، طوایف و اقوام می‌توانند خواسته‌ها و مطالبات قانونی خویش را کسب کنند، اما نایستی وابستگی‌های محدود به آن داشته باشند.

۴. شهروندی مفهومی است که با مسئولیت و مسئولیت‌پذیری همه افراد جامعه مورد نظر همراه است و پس قانون‌گریزی، عدم وجود یک سیستم کنترل اجتماعی، عدم حس مسئولیت‌پذیری و فقدان فرهنگ مشارکت در جامعه از موانع عمده فرهنگ شهروندی است. بنابراین تقویت دگرخواهی، ایجاد احساس و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی و آموزش این مؤلفه‌ها پیوندی ناگسستنی با مسئولیت‌پذیری افراد جامعه خواهد داشت.

به یقین شهروندی از یک سو تابع آگاهی و شناخت در امور گوناگون، تجارب و مهارت‌ها، وضعیت رفاهی، خصیصه‌های فردی و حضور در عرصه‌های عمومی و از سوی دیگر نیازمند منابع و فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی مناسب است. از این رو، عناصر مهم شهروندی، تأمین نیازها و خواسته‌ها، آگاهی و آموزش، فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی و سیاسی است. این عناصر باید در راستای تواناسازی افراد و بسترسازی در سطح جامعه مدنظر

قرار گیرد. بنابراین بهترین راهکارها برای افزایش میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان افراد جامعه، وارد کردن معیارهای حقوق شهروندی در نظام هنجاری و ارزشی جامعه، اطلاع‌رسانی همگانی و آموزش عامه مردم در زمینه حقوق و وظایف شهروندی، طراحی و اجرای برنامه‌های مشارکتی، گسترش ارزش‌های عام‌گرایی در بین افراد جامعه، ایجاد فرصت‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای اقشار گوناگون جامعه، توجه بیش از پیش نهاد تعلیم و تربیت به امر آموزش و ایجاد رفتار شهروندی در بین افراد جوان‌تر جامعه، جهت‌گیری قوانین شهری و برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی با توجه به حقوق شهروندی است.

## منابع

- احمدی، فخری‌سادات. (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرایند تحقق حقوق شهروندی، *رساله کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهراء.
- انصاری، منصور. (۱۳۸۴)، *دموکراسی گفتگوی*، تهران: نشر مرکز.
- آقابخشی، علی. (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۴)، *شهروندمداری و پایداری در برنامه جامعه آگاه‌سازی همگانی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۰)، *مقدمه تشریحی تحقیق پایه‌ای منشور شهر تهران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- توسلی، غلام‌عباس؛ نجاتی حسینی، سیدمحمد. (۱۳۸۳)، واقعیت شهروندی در ایران، *مجله جامعه‌شناس ایران*، دوره پنجم، شماره ۲.
- حسام، فرحناز. (۱۳۸۵)، *هویت شهروندی، ماهنامه شهرداری‌ها*، سال پنجم، شماره ۵۱.
- حسام، فرحناز. (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، نشر نی، چاپ سوم.
- ذکائی، محمدسعید. (۱۳۸۲)، آموزش شهروندی، تهران، *محلّه تربیت*، شماره ۳.
- شایان‌مهر، علیرضا. (۱۳۷۷)، *دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان، کتاب اول.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱)، شهروندی و رفاه اجتماعی، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال اول، شماره ۴.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴)، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، *فصلنامه حقوق و تأمین اجتماعی*، سال اول، شماره ۱.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴)، فقر و محرومیت و شهروندی در ایران، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۱۸.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، *پایان‌نامه دکتری*، دانشگاه علامه طباطبائی.

- شیانی، ملیحه؛ دادوندی، طاهره. (۱۳۸۹)، تحلیل بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۵.
- فالکس، کیث. (۱۳۹۰)، *شهروندی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- فتحی، دیبا. (۱۳۸۱)، *نقد و بررسی ویژگی‌های شهروند مطلوب برای جامعه ایران و میزان توجه به پرورش این خصوصیات در نظام آموزش و پرورش*.
- کاستلز، استفن؛ آلیستر دیویدسون. (۱۳۸۲)، *شهروندی و مهاجرت؛ جهانی شدن و سیاست تعلق*، ترجمه: فرامرز تقی‌لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نش، کیت. (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست و قدرت*، مترجم: محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- نبوی، سیدعبدالحسین؛ احمدی، لیلا. (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۵۲-۸۲.
- نوروزی، کامبیز. (۱۳۸۵)، *حقوق مشترک دولت-ملت، نشریه نامه*، شماره ۵۳.
- هارت. راجرای. (۱۳۸۰)، *مشاکت کودکان و نوجوانان از پذیرش صوری تا شهروند واقعی*، ترجمه: فریده طاهری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- Castle S. Davidson. A (2000). *Citizenship and migration: Globalization and the politics of Belonging*, London: Macmillan.
- Dahrendorf R. (1994). "*Citizenship and Beyond: Bound: the social Dynamics of an Idea*" in B.S turner and P. Hamilton (ed) *Citizenship critical concept*, London: Route ledge.
- Oliver, D. Heater, D. (1994). *The foundation of citizenship*. New York Harvester wheat sheaf.
- Jan Oski, T. (1998). *Citizenship and civil society Cambridge university press*.
- Young I. (1990). *Polity and Different: critique of the Ideal of universal citizenship: Ethics* 99 pp.250-74